

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۶

پذیرش نهایی: ۸۷/۴/۲۶

تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود

دکتر یحیی حساس یگانه

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

نرگس یزدانیان

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

این تحقیق در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که تأثیر برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در ایران چگونه است؟ از جمله اصول حاکمیت شرکتی که در این تحقیق تأثیر آن‌ها بر کاهش مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است عبارت است از مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، وجود مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) در ترکیب هیأت‌مدیره، عدم وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رییس یا نایب رییس هیأت‌مدیره، وجود حسابرسان داخلی.

در این تحقیق از ارقام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل شده جونز به عنوان شاخصی برای تعیین مدیریت سود در شرکت‌ها استفاده گردیده است. بدین منظور اطلاعات ۱۷۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۴ به کار گرفته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد زمانیکه درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌ها بیش از ۴۵٪ باشد مدیریت سود کاهش می‌یابد. علاوه بر این یافته‌های

پژوهش حاکی از این است که بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره، عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رییس یا نایب رییس هیات‌مدیره، وجود حسابرسان داخلی در شرکت‌ها در ایران و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، سرمایه‌گذار نهادی، عضو غیر موظف هیات‌مدیره، حسابرسی داخلی

مقدمه:

از مهم‌ترین ویژگی‌های شرکت‌های سهامی تفکیک مالکیت از مدیریت آنها است. بر این اساس برای مدیران امکان دسترسی انحصاری به بخشی از اطلاعات و نیز تهیه و ارائه اطلاعاتی همچون اطلاعات مالی بوجود آمده است. این ویژگی و نیز ویژگی حسابداری تعهدی به خاطر وجود معوقات (مابه‌التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) و انگیزه‌هایی همچون انگیزه‌های پاداش، هموارسازی سود و مقررات گریزی، این امکان و انگیزه را برای مدیران به وجود می‌آورد تا در جهت منافع خود و در تضاد با منافع سایر گروه‌ها اطلاعات را دستکاری کنند و یا به عبارت کامل‌تر دست به اعمال مدیریت سود بزنند {۸} نکته اصلی این است که روش‌های متعددی برای مدیریت سود وجود دارد و مدیر برای مدیریت سود خالص گزارش شده در چارچوب استانداردهای حسابداری آزادی عمل وسیعی دارد. همچنین برای بسیاری از اقلام تعهدی، کشف مدیریت سود اعمال شده توسط حسابرسان شرکت مشکل خواهد بود، حتی اگر حسابرسان به این موضوع پی ببرند، گاهی نمی‌توانند مخالفت کنند زیرا بسیاری از تکنیک‌های مدیریت سود در محدوده استانداردهای حسابداری می‌باشد {۲۲}.

به هر حال شناسایی ساز و کارهایی که بتواند در کاهش مدیریت سود و تضاد منافع موجود بین ذینفعان اثربخش باشد بسیار حائز اهمیت است. این امر منجر به ایجاد بحث‌های متعددی شده است که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی‌ترین آنها است.

یکی از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشد. سرمایه‌گذاران نهادی به طور بالقوه، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نفوذ موثری بر فعالیت‌های مدیران دارند. آنان نفوذ خود را از طریق مالکیت خود و همچنین معاملات

سهام اعمال می‌نمایند. سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند منافع مدیریت را با منافع گروه سهامداران هم سوء کنند و مشکلات نمایندگی را کنترل کنند. به دلیل اهمیت نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکتی، که با نظارت بر مدیریت شرکت ایفا می‌شود در این تحقیق به بررسی نقش سرمایه‌گذاران نهادی در مدیریت سود پرداخته شده است {۱۲} و {۷}.

از آنجاییکه هیات‌مدیره نقش مهمی در فرآیند گزارشگری مالی ایفا می‌کند یکی از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود. از میان ویژگیهای متعددی که در مورد هیات‌مدیره مطلوب در ساختار حاکمیت شرکتی مطرح است تنها دو ویژگی ذیل در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره

۲. تفکیک وظایف رییس و نایب رییس هیات‌مدیره از مدیرعامل

از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) مستقل در هیات‌مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیات‌مدیره، کمک شایان توجهی می‌کند. مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) با دیدگاهی حرفه‌ای و بی‌طرفانه، در مورد تصمیم‌گیری‌های مدیران مذکور به قضاوت می‌نشینند. بدین ترتیب، هیات‌مدیره شرکت با دارا بودن تخصص، استقلال و قدرت قانونی لازم، یک ساز و کار بالقوه توانمند حاکمیت شرکتی به حساب می‌آید {۲۰ و ۲۱ و ۲۴}.

در گزارش کدبری (۱۹۹۲) توصیه شده است که بین اعضای هیات‌مدیره، باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچکس قادر به کنترل "بی‌قید و شرط" فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. علاوه بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت، باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود اختیارات اعضای هیات‌مدیره، اطمینان کافی حاصل شود. در گزارش مزبور قید شده است که اگر سمت‌های ریاست هیات‌مدیره و مدیریت عامل بر عهده دو شخص مجزا نباشد، آنگاه یکی از اعضای ارشد هیات‌مدیره باید اعلام کند که شخص مستقل کیست. عدم وجود مدیرعامل شرکت در سمت ریاست هیات‌مدیره نقش مهمی در اثربخشی عملکرد هیات‌مدیره ایفا می‌کند {۱۵}.

حسابرسان داخلی نیز یکی از اصول مهم در ساختار حاکمیت شرکتی تلقی می‌شوند. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که حسابرسان داخلی در هر دو جنبه راهبردی و سنتی‌تر (وظیفه نظارتی) حاکمیت شرکتی مشارکت می‌کنند. این در حالی است که ایفای هر دو نقش مذکور در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (۱۸ و ۴). در این تحقیق نیز به بررسی نقش حسابرسان داخلی در مدیریت سود پرداخته شد.

ضرورت انجام تحقیق:

تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوءاستفاده از آن و در نتیجه ارائه اطلاعات نادرست به سهامداران آسیب جدی به اعتماد سهامداران وارد خواهد ساخت و هزاران نفر از سهامداران را متضرر و از بازار بورس فراری خواهد داد. این امر در نهایت تبعات اقتصادی وخیمی به دنبال خواهد داشت. بنابراین به دلیل اهمیت حفظ اعتماد سهامداران و به دنبال آن حفظ سلامت اقتصادی کشور و فضای حاکم بر آن، حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی به شیوه‌هایی است که بر اساس آن، تامین‌کنندگان مالی، اطمینان حاصل نمایند که از سرمایه‌گذاری خود در شرکت بازده مناسبی را دریافت خواهند نمود لذا حاکمیت شرکتی به دنبال ارتقای عدالت، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است. حاکمیت شرکتی با مکانیزم‌های برون سازمانی (که اکثراً شامل قوانین و مقررات می‌باشند) و همچنین مکانیزم‌های درون سازمانی که اکثراً اختیاری می‌باشند می‌تواند به اعمال مدیریت خوب، کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش اعتماد سهامداران و در نهایت کاهش مدیریت سود^۱ منجر شود (۴).

وجود حاکمیت شرکتی به نفع همه ذینفعان مالی شرکت شامل سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، اعضای هیات‌مدیره، مدیریت و کارکنان و همچنین صنایع گوناگون و بخش‌های مختلف اقتصادی است. حاکمیت شرکتی مطلوب، نقش مهمی در بهبود کارایی و رشد اقتصادی و در عین حال افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران دارد.

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که مکانیزمهای کلان حاکمیت شرکتی در حال شکل‌گیری بوده و برای تقویت آنها نیاز به زمینه‌سازی گسترده سیاسی و اقتصادی است برقراری حاکمیت شرکتی در سطح شرکت‌ها می‌تواند عامل مهمی در کسب مزیت رقابتی جهت جذب سرمایه باشد.

وجود حاکمیت شرکتی مطلوب از آسیب‌پذیری بازارهای در حال توسعه از جمله بازار ایران در مقابل بحران‌های مالی می‌کاهد.

برقراری عناصری از حاکمیت شرکتی در ساختار اقتصادی کشور می‌توان، ابزاری برای کشف و مبارزه با برخی جرایم اقتصادی (از جمله پول‌شویی) فراهم کرد. با شناخت مفهوم حاکمیت شرکتی و بکارگیری اصول و قواعد آن می‌توان به تدوین و اصلاح قانون تجارت، استانداردهای حسابرسی، قوانین حاکم بر بورس و ... کمک نمود.

روی آوردن گسترده مردم به بورس در سال‌های اخیر و رشد آن در این سال‌ها به همراه توسعه فیزیکی آن از طریق راه‌اندازی بورس‌های منطقه‌ای باعث شده عده زیادی از شهروندان در معرض منافع و مخاطرات موجود در بازار و شرکت‌ها قرار گیرند این امر ضرورت وجود حاکمیت شرکتی را روزافزون کرده است {۹}.

مروری بر تحقیقات انجام شده:

در ایران یکی از اعضای هیات‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی (حساس یگانه) پژوهش‌هایی در مورد حاکمیت شرکتی انجام داده‌اند که در قالب مقالاتی به چاپ رسیده است. ایشان مطالعاتی در زمینه مبانی حاکمیت شرکتی، سیستم‌های حاکمیت شرکتی، مفاهیم حاکمیت شرکتی و ... انجام داده‌اند. مربوطترین این پژوهش‌ها به موضوع مورد تحقیق، نقش کمیته حسابرسی، هیات‌مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکتی می‌باشد. ایشان به اثر بخش بودن کمیته حسابرسی، هیات‌مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی در کیفیت حاکمیت شرکتی اشاره نموده‌اند {۴ و ۶ و ۲۱}.

مهسا رهبری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران و مقایسه آن با کشورهای جهان با بکارگیری روش توصیفی (از نوع پیمایشی) و استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی

میزان رعایت حقوق سهامداران در کشورمان پرداخته است. وی همچنین در پایان‌نامه تحصیلی خود مقررات حاکمیت شرکتی اروپا را ترجمه و ارائه کرده است {۹}.

مربوط‌ترین پژوهش در ارتباط با موضوع این تحقیق با عنوان نقش مدیران غیر موظف و سهامداران مدیریتی در کیفیت گزارشگری مالی است که توسط اسماعیلی در دانشگاه الزهرا همزمان با انجام این تحقیق در حال اجرا بود.

به غیر از دو تحقیق فوق و مطالعاتی که توسط حساس‌یگانه {۳}، {۴}، {۵}، {۶}، {۷} در زمینه حاکمیت شرکتی صورت گرفته است و چند مقاله که توسط اساتید دیگر به چاپ رسیده است متأسفانه هیچ پژوهش دیگری در زمینه حاکمیت شرکتی و بالخصوص نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در کاهش مدیریت سود صورت نگرفته است.

بسیاری از پژوهشگران، این موضوع که "سهامداران عمده همواره درگیر فعالیت‌های کنترلی و نظارتی شرکت شده و به طور بالقوه مسایل و مشکلات مربوط به نمایندگی را محدود می‌سازند" را مورد تایید قرار داده‌اند.

شیفلر^۱ و ویشنی^۲ (۱۹۸۷)، آدماتی^۳، پی‌فلیدرر^۴ و زچنر^۵ (۱۹۹۳)، هودارت^۶ (۱۹۹۳)، موگ^۷ (۱۹۹۸)، نوآ^۸ (۲۰۰۲) بر این اعتقادند که کلیه سهامداران از نقش نظارتی یک سهامدار عمده منتفع می‌گردند، زیرا هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت چنین نظارتی متحمل نمی‌شوند ضمن اینکه سهامداران عمده، خود از انگیزه مناسبی برای انجام نظارت برخوردارند.

شواهد تجربی نیز در حوزه نقش نظارتی سهامداران عمده، تئوری فوق را مورد حمایت خود قرار داده‌اند. به عنوان مثال بسل^۹، لی‌یس‌کایند^۱ و ابلر^۲ (۱۹۹۸) گزارش

-
- 1- Shlerfer
 - 2- Vishny
 - 3- Admati
 - 4- Pfleiderer
 - 5- Zechner
 - 6- Huddart
 - 7- Moug
 - 8- Noe
 - 9- Bethel

نمودند که شرکت‌ها پس از آنکه سهامشان توسط یک سرمایه‌گذار فعال به صورت یک مجموعه^۲ خریداری شد، عملکرد بهتری را نشان داده‌اند. کانگ^۳ و شیوداسانی (۱۹۹۵) و کاپلن^۴ و میتون^۵ (۱۹۹۴)، نتیجه گرفتند که حضور سهامداران عمده در یک شرکت، بازده مدیریت را افزایش می‌دهد. آنان علت این امر را بهبود وظایف نظارتی در شرکت دانسته‌اند. برترند^۷ و مولیناتن^۸ (۲۰۰۱) نیز دریافتند که حضور یک سهامدار عمده در هیات‌مدیره کنترل قوی را به همراه دارد {۹}.

یافته‌های مطالعات و پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که بین استقلال هیات‌مدیره از مدیریت و اثربخشی فعالیت هیات‌مدیره رابطه وجود دارد. بیسلی (۱۹۹۶) این فرضیه را مورد بررسی قرار داد که هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات‌مدیره افزایش یابد احتمال وجود تقلب در صورتهای مالی کاهش می‌یابد. وی از یک مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه فوق استفاده کرد. وی، ۷۵ شرکت را که دارای تقلب در گزارشهای مالی خود بودند و ۷۵ شرکتی که تقلبی در صورتهای مالی آنها صورت نگرفته بود را مورد بررسی قرار داد. بیسلی پی‌برد که وجود مدیران مستقل در ترکیب هیات‌مدیره به طور قابل توجهی احتمال تقلب را کاهش می‌دهد {۱۳}.

دیچاو^۹، اسلوان^{۱۱} و سوئی^{۱۱} (۱۹۹۶) پی‌بردند که تخلف از اصول پذیرفته شده حسابداری در شرکت‌هایی که تعداد اعضای مستقل هیات‌مدیره بیشتر است بسیار محدود می‌باشد {۱۷}.

چتور^{۱۲}، بدارداو کورتیو^۲ در سال ۲۰۰۱ پی‌بردند که بین میزان استقلال هیات‌مدیره و سطح مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد {۲۱}.

- 1 - Liebeskind
- 2 - Opler
- 3 - Block Of Share
- 4 - Kang
- 5 - Kaplan
- 6 - Minton
- 7 - Bertrand
- 8 - Mullainathan
- 9 - Dechow
- 10 - Sloan
- 11 - Sweeny
- 12 - Chtorou

دی‌چاو و همکاران (۱۹۹۶) پی بردند که در شرکت‌هایی که مدیرعامل، رئیس هیات‌مدیره نیز می‌باشد احتمال بیشتری وجود دارد که در بورس اوراق بهادار متهم به انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری گردند {۱۷}. پارک^۳ (۱۹۹۹) پی برد که بین وجود مدیرعامل به عنوان رئیس هیات‌مدیره و اقامه دعوی علیه حسابرسان رابطه مثبت وجود دارد. همچنین یافته‌های چتورو، بدارد و کورتیو در سال ۲۰۰۱ بیانگر این مطلب است که بین مدیریت سود و وجود مدیرعامل به عنوان رئیس هیات‌مدیره رابطه مثبت وجود دارد {۲۱}.

دی‌زورت و سالتریو (۲۰۰۱) در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کردند که هیات‌مدیره تاثیر بااهمیتی بر استقلال و سطح کیفی دانش کمیته حسابرسی دارد. زیرا اعضای کمیته حسابرسی، توسط هیات‌مدیره انتخاب می‌شوند. پژوهشگران مذکور معتقدند که یک هیات‌مدیره قوی و مستقل (که از نشانه‌های آن داشتن نسبت بالایی از اعضای غیرموظف، رئیس هیات‌مدیره‌ای که به طور همزمان مدیرعامل شرکت نیست و پرشمار بودن تعداد آن است) قادر به انتخاب کمیته حسابرسی با کفایت‌تری است {۱۸}.

در جمع‌بندی پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص حسابرسان داخلی (کارسلو و همکاران ۲۰۰۵، جیمز ۲۰۰۳، فلیکس و همکاران ۲۰۰۵) می‌توان اظهار داشت که حسابرسان داخلی در هر دو جنبه راهبردی و نظارتی حاکمیت شرکتی مشارکت می‌کنند. این در حالی است که ایفای هر دو نقش مذکور در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود {۵ و ۱۶}.

جامعه و نمونه آماری:

جامعه آماری این تحقیق شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط زیر باشند:

- 1 - Bedard
- 2 - Courteau
- 3 - Park

۱) تا سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند (با توجه به قلمرو زمانی تحقیق).

۲) طی دوره مالی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار فعال باشند (با توجه به قلمرو زمانی تحقیق).

۳) اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز از جمله حساب اقلام تعهدی اختیاری در دسترس باشد. با توجه به مجموعه شرایط یاد شده تعداد ۱۷۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. به دلیل محدود بودن تعداد اعضای جامعه، صد درصد جامعه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردید.

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱) بین وجود سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳) بین عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴) بین وجود حسابرسی داخلی در شرکت و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق و تعاریف عملیاتی آن‌ها:

متغیر وابسته:

متغیر وابسته این تحقیق مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود به عنوان اقدامات آگاهانه به عمل آمده توسط مدیریت جهت رسیدن به اهداف خاص تعریف می‌گردد (۲۲). بررسی ادبیات مبتنی بر مدیریت سود بیانگر این است که تعداد زیادی از پژوهشگران این حوزه از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان جایگزینی مناسب برای متغیر وابسته مدیریت سود استفاده نموده‌اند. افزون بر آن، اکثر آنان مدل تعدیل شده جونز را قوی‌ترین مدل برای کشف مدیریت سود انتخاب و مورد استفاده قرار می‌دهند (۲) و

۱۱ و ۱۷ و ۱۹}. بنابراین در تحقیق حاضر نیز سازگار با پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی، مدل تعدیل شده جونز برای تعیین میزان مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گرفت. در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل اقلام تعهدی به شرح زیر برآورد می شود:

$$TA_{it} - TA_{it-1} = \Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it} - CL_{it} - \Delta STD_{it} - DEP_{it} /$$

که در این رابطه:

TA_{it} : جمع کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

ΔCA_{it} = تغییر در داراییهای جاری شرکت i در سال t

ΔCL_{it} = تغییر در بدهی های جاری شرکت i در سال t

$\Delta CASH_{it}$ = تغییر در وجوه نقد و معادل وجه نقد شرکت i در سال t

ΔSTD_{it} = تغییر در حصة جاری بدهی های بلندمدت شرکت i در سال t

DEP_{it} = هزینه استهلاک دارایی های ثابت و نامشهود شرکت i در سال t

TA_{it-1} = جمع کل دارایی های شرکت i در سال $t-1$

در مدل یاد شده به منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری یعنی اقلامی که مدیران بر روی آن ها آزادی عمل دارند ابتدا باید اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA) از طریق فرمول زیر محاسبه گردد:

$$\alpha_3(PPE_{it}/A_{it-1}) + NDA_{it} = \alpha_1(1/A_{it-1}) + \alpha_2(\Delta REV - \Delta REC / A_{it-1})$$

در این رابطه:

NDA_{it} = اقلام تعهدی غیراختیاری شرکت i در سال t

A_{it-1} = جمع کل دارایی های شرکت i در سال $t-1$

ΔREV = تغییر در خالص درآمد شرکت i ، بین سال $t-1$ و t

ΔREC = تغییر در خالص حساب ها و اسناد دریافتی تجاری شرکت i ، بین سال $t-1$

و t

PPE_{it} = میزان اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

α_1 و α_2 و α_3 = پارامترهای برآورد شده مختص شرکت

برای تعیین میزان اقلام تعهدی غیر اختیاری لازم است ابتدا پارامترهای مختص شرکت را محاسبه کرد. در این تحقیق به منظور برآورد پارامترهای مختص شرکت به تحقیق عبدالله خانی (۱۳۸۳) استناد گردیده است. در نهایت در صورتیکه در صورتیکه اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA) از جمع کل اقلام تعهدی (TA) کسر گردد، اقلام تعهدی اختیاری (DA) حاصل خواهد شد. بنابراین اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل شده جونز، به صورت زیر محاسبه می شود:

$$DA = TA - NDA$$

متغیرهای مستقل:

متغیرهای مستقل این تحقیق به صورت زیر است:

✓ نسبت (درصد) سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری عمده نگهداری می‌شود به کل سهام منتشره و در دست سهامداران (INST)

سرمایه‌گذار نهادی شخصیت یا موسسه‌ای است که به خرید یا فروش حجم عظیمی از اوراق بهادار می‌پردازد مثل صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سازمان تامین اجتماعی، صندوق‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی {۷}

به منظور جمع‌آوری اطلاعات پیرامون درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی از اطلاعات مربوط به ترکیب سهامداران استفاده گردید.

✓ نسبت (درصد) مدیران غیرموظف هیات‌مدیره به کل اعضای هیات‌مدیره (OUTDIR):

عضو غیرموظف هیات‌مدیره، عضو پاره‌وقت هیات‌مدیره است که فاقد مسئولیت اجرایی می‌باشد {۱۰}. برای اندازه‌گیری درصد مدیران غیرموظف، درصد مدیران غیرموظف در هیات‌مدیره که شرکت در آن سال داشته است ملاک قرار خواهد گرفت.

✓ وجود (عدم وجود) مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره (CEOCHAIR):

با توجه به اینکه در ایران در بسیاری از شرکت‌ها مدیرعامل در سمت نایب رئیس هیات‌مدیره فعالیت می‌کند و در چنین شرکت‌هایی اغلب رئیس هیات‌مدیره غیرموظف می‌باشد لذا در این تحقیق وجود (عدم وجود) مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس

هیات‌مدیره به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. در صورتیکه در شرکتی مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره باشد از متغیر مصنوعی یک و بالعکس چنانچه مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره نباشد از متغیر مصنوعی صفر استفاده خواهد شد.

✓ وجود (عدم وجود) حسابرسان داخلی در شرکت (INAUDIT):

چنانچه شرکتی دارای حسابرس داخلی در سال مورد بررسی باشد از متغیر یک و بالعکس از متغیر مصنوعی صفر استفاده خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها:

این تحقیق از نوع همبستگی و روش‌شناسی تحقیق از نوع پس‌رویدادی^۱ (از طریق استفاده از اطلاعات گذشته) است. در این تحقیق تجزیه و تحلیل داده‌ها هم به صورت تحلیل تجمعی داده‌ها در قالب داده‌های تلفیقی و هم به صورت تحلیل مقطعی داده‌ها (بررسی سال به سال) صورت می‌گیرد {۱}.

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم از مدل رگرسیون یک متغیره استفاده می‌شود. به منظور آزمون فرضیه اول (بین وجود سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد) از مدل رگرسیون ذیل استفاده می‌شود:

$$\text{EARNMAN} = \beta_0 + \beta_1 \text{INST}$$

به نظر می‌رسد با توجه به مبانی نظری موضوع، وجود سرمایه‌گذاران نهادی در یک شرکت، زمانی در مدیریت سود آن شرکت موثرتر است که میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی به صورت قابل توجهی باشد. بنابراین برای بررسی دقیق‌تر، میانه داده‌های مربوط به درصد سرمایه‌گذاران نهادی محاسبه گردید و نمونه آماری به دو گروه شرکت‌های دارای درصد سرمایه‌گذاران نهادی بیش از میانه و شرکت‌های دارای درصد سرمایه‌گذاران نهادی کمتر از میانه طبقه‌بندی شد، سپس فرضیه مذکور برای هر یک از گروهها مورد آزمون قرار گرفت.

برای بررسی و تحلیل فرضیه دوم (بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد) از مدل رگرسیون ذیل استفاده می‌شود:

$$EARNMAN = \beta_0 + \beta_1 OUTDIR$$

بر اساس مبانی نظری موضوع و دستورالعمل‌های مطرح شده پیرامون وجود اعضای غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره همواره بر حداقل تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره تاکید شده است تا مدیران غیرموظف توان تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های هیات‌مدیره را داشته باشند. به عنوان مثال در گزارش کدبری (۱۹۹۲) توصیه شده است که هیات‌مدیره حداقل باید دارای ۳ عضو غیرموظف باشد. همچنین در قانون جامع (۱۹۹۸) و قانون کدبری (۱۹۹۲) تاکید شده است که تعداد مدیران غیرموظف نباید کمتر از یک سوم تعداد اعضای هیات‌مدیره باشد. لذا برای آزمون دقیق‌تر این فرضیه، میانه درصد مدیران غیرموظف نمونه آماری محاسبه گردید و نمونه به دو گروه شرکت‌هایی که با درصد مدیران غیرموظف بیشتر از میانه (med=60%) و مدیرانی با درصد مدیران غیرموظف کمتر از میانه طبقه‌بندی گردید و فرضیه فوق برای هر دو گروه مورد آزمون قرار گرفت.

به منظور آزمون فرضیه سوم (بین عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد) و چهارم (بین انجام حسابرسی داخلی در شرکت و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد) از آزمون مقایسه دو میانگین (T-Test) استفاده می‌شود. بنابراین به کمک آزمون‌های پیش‌گفته (شامل مدل رگرسیون دو متغیره و آزمون مقایسه دو میانگین) فرضیه‌های صفر (H_0) آزمون شده و فرضیه‌های تحقیق مورد مطالعه و استنتاج قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق:

نتایج محاسبات آماری به دست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده شرکت‌های نمونه آماری، در ارتباط با چهار فرضیه مطرح شده در جدول ذیل خلاصه شده است:

نتیجه آزمون فرضیه	تحلیل	نوع رابطه	روش آماری به کاررفته	متغیرهای تحقیق	فرضیه
تایید فرضیه فقط در سال ۱۳۸۲	مقطعی	خطی	رگرسیون	INST EARNMAN	بین وجود سرمایه گذاران نهادی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه	تجمعی				
رد فرضیه	INST<med				
تایید فرضیه	INST>med	غیر خطی	رگرسیون	OUTDIR EARNMAN	بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه فقط در سال ۱۳۸۱	مقطعی				
تایید فرضیه	تجمعی				
رد فرضیه	مقطعی	خطی	رگرسیون	CEOCHAIR EARNMAN	بین عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا تایید رئیس هیات مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
رد فرضیه	تجمعی				
رد فرضیه	OUTDIR<med				
رد فرضیه	OUTDIR>med	غیر خطی	رگرسیون	INAUDIT EARNMAN	بین انجام حسابرسی داخلی در شرکت و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
رد فرضیه	مقطعی				
رد فرضیه	تجمعی				
رد فرضیه	مقطعی	-	آزمون مقایسه دو میانگین	CEOCHAIR EARNMAN	بین عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا تایید رئیس هیات مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
رد فرضیه	تجمعی				
رد فرضیه	مقطعی	-	آزمون مقایسه دو میانگین	INAUDIT EARNMAN	بین انجام حسابرسی داخلی در شرکت و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
رد فرضیه	تجمعی				

ارزیابی یافته‌های تحقیق

یافته‌های مندرج در جدول به شرح ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

فرضیه ۱: رابطه بین وجود سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود

تفکیک مالکیت و کنترل در شرکت‌ها، نه تنها ناشی از مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران است بلکه جزء لاینفک مالکیت در شرکتهایی را تشکیل می‌دهند که سهام آن‌ها بین تعداد زیادی از سهامداران توزیع شده است. هیچ یک از مالکان، انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیریت شرکت ندارند زیرا مالکان خود باید کل هزینه‌های نظارتی را تحمل نمایند. اما با این وجود کلیه سهامداران از منافع شرکت منتفع

می‌شوند. در حالیکه در شرکتهایی که ساختار مالکیت آن‌ها از سوی سهامداران عمده تعیین می‌شود مسائلی مربوط به نمایندگی زمینه پیدا نمی‌کند. سهامداران عمده همواره درگیر فعالیت‌های کنترلی و نظارتی شرکت شده و به طور بالقوه مسائلی و مشکلات مربوط به نمایندگی را محدود می‌سازند. در چنین حالتی کلیه سهامداران از نقش نظارتی سهامدار عمده منتفع می‌شوند. زیرا هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت چنین نظارتی متحمل نمی‌شوند. اما از طرفی اگرچه تمرکز مالکیت مشکلات مربوط به نمایندگی را کاهش می‌دهد اما می‌تواند اثرات و پیامدهای منفی هم داشته باشد مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که ناقرینگی اطلاعاتی را بین آنان و سهامداران جزء ایجاد می‌کند. نتایج تحقیق فوق نشان می‌دهد که در شرکتهایی که درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در آن‌ها بیش از ۴۵٪ است و در واقع از تمرکز مالکیت بالایی برخوردارند مدیریت سود کاهش می‌یابد. این شرکتها دارای سیستم حاکمیت شرکتهای درونی (رابطه‌ای) هستند بنابراین اگرچه در چنین شرکتهایی مدیریت سود کاهش می‌یابد و مشکلات نمایندگی کمتری وجود دارد، لکن ممکن است مشکلات جدی دیگری به وجود آید. در چنین شرکتهایی به واسطه سطح تفکیک ناچیز مالکیت و کنترل (مدیریت) ممکن است از قدرت سوءاستفاده شود. در این حالت سهامداران اقلیت نمی‌توانند از عملیات شرکت آگاه شوند، شفافیت کمی وجود دارد و وقوع سوءاستفاده محتمل به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی تضاد منافع بین سهامداران و مدیران ایجاد نمی‌گردد بلکه تضاد منافع بین سهامداران عمده و جزء ایجاد می‌شود {۳ و ۱۴ و ۲۳}.

فرضیه ۲: رابطه بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره و مدیریت سود از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) مستقل در هیات‌مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیات‌مدیره، کمک شایان توجهی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با دیدگاه تئوری نمایندگی نیست و توانایی این ابزار نظارتی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی به ویژه کاهش مدیریت سود بسیار ضعیف است. وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره از این جهت حائز اهمیت است که منافع آن‌ها با منافع شرکت در تضاد نمی‌باشد لذا نقش نظارتی موثرتری را می‌توانند ایفا کنند و با

دیدگاهی حرفه‌ای و بیطرفانه در مورد تصمیم‌گیریهای مدیران قضاوت می‌کنند. این‌که آیا در کشور ما مدیران غیرموظف به ایفای نقش نظارتی خود می‌پردازند یا نه نکته‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که اگر مدیران غیرموظف صرفاً در تصمیم‌گیریها مداخله کنند و از نقش نظارتی خود غافل شوند اثربخشی آنها را به طور قابل توجهی کاهش خواهد داد.

عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیات‌مدیره چند شرکت ممکن است باعث کاهش اثربخشی آنها می‌شود. مورک و همکاران (۱۹۹۸) بیان کردند که نظارت بر مدیریت ارشد نیازمند تلاش فراوان و اختصاص زمان کافی است که هر چه تعداد شرکت‌هایی که یک مدیر عضو هیات‌مدیره آن است بیشتر باشد مدت زمانی که وی می‌تواند برای نظارت به یک شرکت اختصاص دهد کاهش می‌یابد (۲۱). این نکته در تحقیق مدنظر قرار گرفته نشده است.

بر اساس پیش‌نویس آیین‌نامه اصول راهبری شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در شرکتهای بزرگ حداقل ۲ نفر و در سایر شرکتهای حداقل یک نفر از اعضای هیات‌مدیره باید از مدیران مستقل باشند. در این تحقیق مدیرانی که در شرکت سمت اجرایی ندارند به عنوان مدیر غیرموظف تعریف شدند و فرض شد که مستقل از شرکت هستند، در حالیکه ممکن است مستقل نباشند و به شرکت وابستگی‌هایی داشته باشند، مثلاً بسیاری از آنها عملاً توسط شرکتهای بزرگ سرمایه‌گذاری و تجاری و مدیرعامل و رئیس هیات‌مدیره منصوب شوند و یا ممکن است به دلیل مدت زمان طولانی عضویت در هیات‌مدیره به آن شرکت وابستگی پیدا کرده باشند. لذا تفاوت‌های سنتی در تعریف مدیران اجرایی و غیرموظف ممکن است در شناسایی تضاد منافع بالقوه بین مدیران غیرموظف و شرکتی که در هیات‌مدیره آن حضور دارند ناتوان باشد.

فرضیه ۳: رابطه بین وجود مدیرعامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره و

مدیریت سود

گزارش‌های منتشر شده پیرامون حاکمیت شرکتی (کمیته کدبری ۱۹۹۲، کمیته حاکمیت شرکتی ۱۹۹۸ و تی-اس-ای ۱۹۹۴) و پژوهشگران توصیه می‌کنند که مدیر عامل و رئیس هیات‌مدیره نباید یک فرد واحد باشد، زیرا در این صورت مدیرعامل در

هیات‌مدیره از تمرکز قدرت در مدیران ارشد اجرایی جلوگیری می‌کند. به موجب ماده ۲ پیش‌نویس آیین‌نامه اصول راهبری شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ریاست هیات‌مدیره و مدیرعامل نباید بر عهده یک شخص واحد باشد و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل باید به طور صریح و روشن مشخص شده و هیچ‌گونه تداخلی با یکدیگر نداشته باشد. در کشور ما هیات‌مدیره به طور سنتی و همچنین بر اساس قانون تجارت و وظایف اجرایی و استراتژیک (البته در عمل عمدتاً وظایف اجرایی) را عهده‌دار می‌باشد. وظیفه هیات‌مدیره باید تدوین استراتژی، حصول اطمینان از دستیابی به منابع مالی و نیروی انسانی، ارزیابی عملکرد مدیران و کنترل ریسک باشد. بنابراین وظیفه رئیس هیات‌مدیره، حصول اطمینان از انجام وظایف فوق و ارتباط موثر با سهامداران می‌باشد، در صورتیکه مدیرعامل وظایف اجرایی را عهده‌دار خواهد بود در صورتیکه متأسفانه در کشور ما این دو وظیفه (مدیرعامل و رئیس هیات‌مدیره) به خوبی از یکدیگر تفکیک نشده است.

فرضیه ۴: رابطه بین وجود حسابرسان داخلی در شرکت و مدیریت سود

حسابرسان داخلی به تقویت نظام حاکمیت شرکتی در شرکتها کمک شایانی می‌کنند. در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تنها ۶۰ شرکت دارای واحد حسابرسی داخلی می‌باشد که در بسیاری از این شرکت‌ها، حسابرسان داخلی نقش موثری ایفا نمی‌کنند. این امر بررسی رابطه بین وجود حسابرسان داخلی در شرکت با مدیریت سود را با مشکل مواجه می‌سازد.

پیشنهاد‌های تحقیق

پیشنهاد‌های تحقیق در دو قسمت به شرح زیر ارائه می‌گردد:

الف: پیشنهاد‌های حاصل از نتایج تحقیق:

۱. بومی کردن مفاهیم حاکمیت شرکتی و انطباق آن با سبیل فرهنگی و اقتصادی در ایران کار مهمی است که باید مراجع حرفه‌ای از جمله سازمان بورس اوراق بهادار، سازمان حسابرسی در داخل کشور انجام دهند. هرگونه رونوشت برداری از آیین‌نامه و قوانین مشابه خارجی، بدون در نظر گرفتن ساختار مدیریتی، فرهنگسازی و تحول در

اداره امور شرکت‌ها به خصوص تفکیک وظایف استراتژیک و اجرایی نه تنها کمکی به اداره موثر امور نخواهد کرد، بلکه شرکت‌ها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد ساخت.

۲. ساختار مالکیت شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران حاکی از حضور فعال سرمایه‌گذاران نهادی و نقش تعیین‌کننده آنان در توسعه بازار سرمایه می‌باشد. لذا سیاست‌گذاران در سیستم حاکمیت شرکتی درونی نیاز دارند که توجه ویژه‌ای به توسعه چارچوب‌های حاکمیت شرکتی نموده به طوریکه ضمن در نظر گرفتن نقش مهم سرمایه‌گذاران نهادی، راهکارهای توسعه بازار را تعیین و تدوین نمایند.

۳. لازم است با توجه به اهمیت نقش مدیران غیرموظف در تقویت اثربخشی عملکرد هیات‌مدیره، توجه بیشتری به این مهم نمود و با ارایه راهکارهایی عملکرد مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره را تقویت نمود. به عنوان مثال عضویت مدت زمان طولانی مدیران غیرموظف در ترکیب هیات‌مدیره ممکن است استقلال آن‌ها را خدشه دار کند و اثربخشی آن‌ها را کاهش دهد.

۴. توجه بیشتر به نقش حسابرسان داخلی به عنوان یکی از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی

۵. شایسته است سازمان حسابرسی و دیگر نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و انجمن‌های حسابداری و حسابرسی، در تدوین استانداردهای حسابداری و قوانین مالی، مقوله دستکاری و مدیریت سود را مورد عنایت بیشتر قرار دهند و با ارایه رهنمودهای لازم در جهت محدود نمودن مدیران در اعمال مدیریت سود، استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی را به منظور اتخاذ تصمیمات بهینه و آگاهانه بیش از پیش، یاری نمایند.

ب: پیشنهاد برای تحقیقات آتی:

با توجه به محدودیت‌های تحقیق و اینکه موضوعات مورد بحث در زمینه حاکمیت شرکتی بسیار گسترده و فراگیر بوده و موضوعی بین رشته‌ای است که در این تحقیق به جزء کوچکی از آن پرداخته شده است بنابراین برخی از موارد و حوزه‌هایی که برای تحقیقات آتی مناسب به نظر می‌رسد به شرح زیر قابل ارائه به پژوهشگران است:

۱. رابطه بین سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود از جمله حسابرسی مستقل، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی و ...
۲. تأثیر سایر ویژگیهای ساختار هیات‌مدیره بر کاهش مدیریت سود از جمله استقلال اعضا، ضریب جابجایی اعضای هیات‌مدیره، سطح دانش و صلاحیت اعضای هیات‌مدیره و ...
۳. از آنجایی که آیین نامه اصول راهبری شرکتی به تازگی تدوین شده است و هنوز به مرحله اجرا در نیامده است لذا انجام تحقیق فوق در سال‌های آینده با در نظر گرفتن داده‌های مربوط به دوره‌های بیشتر توصیه می‌شود.
۴. رابطه بین اصول حاکمیت شرکتی با هموارسازی سود
۵. تأثیر اصول حاکمیت شرکتی بر کاهش میزان تقلب و افزایش کیفیت گزارشگری مالی
۶. تأثیر وضعیت حاکمیت شرکتی شرکتها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده‌کنندگان
۷. نقش بانک‌ها به عنوان یک سرمایه‌گذار نهادی در کشور بر حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها
۸. سنجش میزان دانش و آگاهی فعالان بازار از مفاهیم و الزامات حاکمیت شرکتی
۹. رابطه بین ساختار مالی شرکت‌ها و وضعیت حاکمیت شرکتی در آنها
۱۰. تأثیر وجود سهامداران خصوصی و دولتی بر حاکمیت شرکتی شرکت‌ها

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آذر، عادل؛ مومنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ هشتم ۱۳۸۴.
- بهارمقدم، مهدی، محرک‌های موثر بر مدیریت سود، رساله دکتری، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
- حساس‌یگانه، یحیی، سیستم‌های حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۶۹، اسفند ماه ۱۳۸۴.
- حساس‌یگانه، یحیی، نقش کمیته حسابرسی در حاکمیت شرکتی، همایش نظام حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی، انجمن حسابداران خبره، ۳۰ آبان و ۱ آذر ماه ۱۳۸۴.
- حساس‌یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، حسابدار رسمی، دی‌ماه ۱۳۸۴.
- حساس‌یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک، نقش هیات‌مدیره در حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۷۳، تیر ماه ۱۳۸۵.
- حساس‌یگانه، یحیی، پوریانسب، امیر، نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکت‌های سهامی، ماهنامه حسابداری، شماره‌های ۱۶۴ و ۱۶۵، مهر و آبان ۱۳۸۴.
- خانی، عبدالله، مدیریت سود و پاداش مدیران، رساله دکتری، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- رهبری، مهسا، مطالعه میزان رعایت حقوق سهامداران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
- سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پیش‌نویس اصول حاکمیت شرکتی، ۱۳۸۴.
- مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ کاهوه؛ کرمی، غلامرضا، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴.

موسسه توسعه صنعت سرمایه‌گذاری ایران: ضرورت توسعه چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، پیام سرمایه‌گذاری، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Beasley, M.S. an empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. The accounting review 71. October.
- Berndt Markus, Global Differences In Corporate Governance systems, Theory And Implications For Reforms, Discussion Paper No.303
- Cadbury Code, Report Of The Committee on
- Carcello, Joseph V; Hollingsworth, Carl W; Klein, April; Terry, L. Neal, Audit Committee Financial Expertise, Competing Corporate, Governance Mechanisms, and Earnings Management, February 2006
- Dechow, P, Sloan, R & Sweeny, A, Detecting Earning Management, The Accounting Review, (1995), 70, 193-226
- Dezort .F.T and S.Salterio, The effects of corporate governance experience and financial reporting and audit knowledge on audit committee members judgments. Audit a journal of practice & theory, Fall (2001)
- Jones, J, Earning Management During Import Relief Investigations. Journal Of Accounting Research, 1991, 29, 193-228
- Klein, audit committee, board of director characteristics and earning management, October (2000).
- Marrakchi, Chtourou; Sonda, Bédard, Jean and Courteau, Lucie, "Corporate Governance and Earnings Management" (April 21, 2001). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=275053>
- Scott. W.R.t, financial accounting theory, 2003, third (2) edition (Canada: Prentice-Hall)
- Udo C Braendle, Juergen Noll, On the Convergence of National Corporate Governance Systems, Journal of Interdisciplinary Economics, Vol 16, 2005



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی